

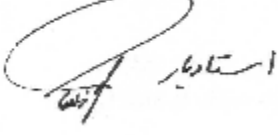
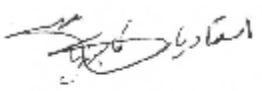



صَلَاةُ الْإِسْلَامِ

تأییدیه اعضای هیأت داوران حاضر در جلسه دفاع از پایان نامه کارشناسی ارشد

اعضای هیأت داوران نسخه نهایی پایان نامه خانم مهتاب نورمحمدی، تحت عنوان «تحلیل مفهومی استعاره های نهج البلاغه: رویکرد زبان شناسی شناختی» را از نظر فرم و محتوی بررسی نموده و پذیرش آن را برای تکمیل درجه کارشناسی ارشد پیشنهاد می کنند.

اعضای هیأت داوران	نام و نام خانوادگی	رتبه علمی	امضا
استاد راهنما	دکتر فردوس آقاگلزاده	استاد	
استاد مشاور	دکتر ارسلان گلغام	استاد	
استاد ناظر	دکتر کیوان زاهدی	استاد	
استاد ناظر	دکتر عالیہ کرد زعفرانلو کامبوزیا	استاد	
نماینده شورای تحصیلات تکمیلی	دکتر عالیہ کرد زعفرانلو کامبوزیا		



بسمه تعالی

آیین نامه چاپ پایان نامه (رساله) های دانشجویان دانشگاه تربیت مدرس

نظر به اینکه چاپ و انتشار پایان نامه (رساله) های تحصیلی دانشجویان دانشگاه تربیت مدرس، مبین بخشی از فعالیتهای علمی - پژوهشی دانشگاه است، بنابراین به منظور آگاهی و رعایت حقوق دانشگاه، دانش آموختگان این دانشگاه نسبت به رعایت موارد ذیل متعهد می شوند:

ماده ۱ در صورت اقدام به چاپ پایان نامه (رساله) ی خود، مراتب را قبلاً به طور کتبی به دفتر نشر آثار علمی دانشگاه اطلاع دهد.

ماده ۲ در صفحه سوم کتاب (پس از برگ شناسنامه)، عبارت ذیل را چاپ کند:
کتاب حاضر، حاصل پایان نامه کارشناسی ارشد / رساله دکتری نگارنده در رشته _____ است
که در سال _____ در دانشکده _____ دانشگاه تربیت مدرس به راهنمایی سرکار خانم / جناب آقای دکتر _____، مشاوره سرکار خانم / جناب آقای دکتر _____ و مشاوره سرکار خانم / جناب آقای دکتر _____ از آن دفاع شده است.

ماده ۳ به منظور جبران بخشی از هزینه های انتشارات دانشگاه، تعداد یک درصد شمارگان کتاب (در هر نوبت چاپ) را به دفتر نشر آثار علمی دانشگاه اهدا کند. دانشگاه می تواند، مازاد نیاز خود را به نفع مرکز نشر در معرض فروش قرار دهد.

ماده ۴ در صورت عدم رعایت ماده ۳، ۵۰٪ بهای شمارگان چاپ شده را به عنوان خسارت به دانشگاه تربیت مدرس، تأديه کند.

ماده ۵ دانشجو تعهد و قبول می کند در صورت خودداری از پرداخت بهای خسارت، دانشگاه می تواند خسارت مذکور را از طریق مراجع قضایی مطالبه و وصول کند؛ به علاوه به دانشگاه حق می دهد به منظور استیفای حقوق خود، از طریق دادگاه، معادل وجه مذکور در ماده ۴ را از محل توقیف کتابهای عرضه شده نگارنده برای فروش، تأمین نماید.

ماده ۶ اینجانب حساب در چهره دانشجوی رشته زبان ستایشی مقطع کارشناسی ارشد تعهد فوق و ضمانت اجرایی آن را قبول کرده، به آن ملتزم می شوم.

نام و نام خانوادگی: محبت انورپوری
تاریخ و امضا: ۱۳۸۷/۱۱/۱۷



دانشگاه تربیت مدرس
دانشکده علوم انسانی

پایان نامه دوره کارشناسی ارشد زبان شناسی همگانی

تحلیل مفهومی استعاره های نهج البلاغه: رویکرد زبان شناسی شناختی

مهتاب نورمحمدی

استاد راهنما:

دکتر فردوس آقاگلزاده

استاد مشاور:

دکتر ارسلان گلفام

دی ۱۳۸۷

تقدیم به

به پدر و مادرم،

که زیباترین لبخند خدا در زندگی من اند؛

به همسرم،

که مهر پاک و زلالش تجلی آب است و آیینه و آفتاب؛

و

به مادرش،

که برایم تکرار لبخند زیبای خداست.

به نام خداوند مهر و دانایی

إن الكرام إذا ما أيسروا ذكروا من كان يألّفهم في المنزل الخشن

سپاس فراوان ایزد پاک را که بلند است نام او. سپاس او را که زبان به برشمردن انعامش قاصر و به شکر الطافش عاجز است. سپاس او را که دانستن را ارج نهاد و قلم را شایستگی سوگند عطا کرد و مرا در راه آموختن که تجلی نور اوست، یاریگر بود.

اما به آن حکم که، هر که سپاسگزار مخلوق نباشد، خالق را نیز سپاس نخواهد گفت، بر خود فرض می دانم، از تمامی کسانی که تا رسیدن به این مرحله مرا مرهون مهربانی، حمایت، راهنمایی و یاری خود نمودند، تشکر و قدردانی نمایم:

از استاد ارجمند جناب آقای دکتر گلزاده که راهنمایی این پایان نامه را پذیرفتند؛

از استاد بزرگوار جناب آقای دکتر گلفام که در انجام آن از مشورتهایشان بهره بردم؛

از استاد فرزانه سرکار خانم دکتر کامبوزیا که برایم هم آموزگار دانستن اند و هم معلم بودن؛

از پدرم که پناه و پشتیبان همیشگی ام است و مادرم که همواره مست جام محبتش هستم؛

از همسر همراه و صبورم که عشق و پاکی و راستی اش را توان قدردانی ام نیست؛

از خواهر و برادران همدل و همرازم، معصومه، احسان، محسن و امین؛

از مهربانی ها و حمایت های بی دریغ خانم ها آذر نورمحمدی، لیلا اکبری و آقایان محمدرضا

نورمحمدی، مظفر اکبری و حسین اکبری؛

از دوستان همراهم خانم ها گوهر شریفی، سارا مقدسی و سپیده عبدالکریمی ؛

و از همه ی آنهایی که در این راه یاری ام کردند.

چکیده

علوم شناختی دانشی است که به پژوهش درباره‌ی ذهن می‌پردازد. محققان علوم شناختی تبیین کارکردهای شناختی و فرایندهای پنهان ذهن را تنها از روش‌های غیر مستقیمی مانند مطالعه‌ی زبان ممکن می‌دانند. از این رو زبان‌شناسی شناختی از جایگاه ویژه‌ای در علوم شناختی برخوردار است. در این رویکرد معنابنیاد، یکی از کانونی‌ترین محورهای مطالعه، استعاره است. جرج لیکاف و مارک جانسون (۱۹۸۰) نظام عظیمی از استعاره‌های روزمره و متعارف را کشف کردند که تمایز سنتی بین زبان مجاز واره‌ای و زبان حقیقی را از بین برد. این مطالعات منجر به ارائه‌ی نظریه‌ی معاصر استعاره از سوی آنها شد. بر اساس این نظریه، جایگاه استعاره نظام مفهومی ما است که بر اساس آن می‌اندیشیم و عمل می‌کنیم. زبان نیز از آنجا که برگرفته از فرایندهای ذهنی است، کاملاً استعاری است و درک توانایی‌های زبانی بدون تبیین بسنده‌ای از استعاره ممکن نیست. در این نظریه، استعاره به نگاشت‌های کلی بین حوزه‌های مفهومی و به عبارت دیگر، هر نوع مفهوم‌سازی و بیان یک حوزه‌ی مفهومی در قالب حوزه‌ی مفهومی دیگر اطلاق می‌شود. اصول نظریه‌ی معاصر استعاره را می‌توان در قالب هشت فرض اصلی همه‌جا حاضر بودن، استعاره، حوزه‌ها، مدل، یک‌جهتی بودن، تغییر ناپذیری، ضرورت، خلاقیت و تمرکز خلاصه کرد.

از آنجا که استعاره امکان درک موضوعی انتزاعی یا فاقد ساختار را بر حسب موضوعی عینی تر و یا ساختمان‌دتر فراهم می‌کند، در حوزه‌های انتزاعی، مثل مذهب، اهمیت بیشتری می‌یابد. نهج البلاغه یکی از متون مذهبی ما مسلمانان است، که استعاره‌های آن همواره از جنبه‌ی بلاغی و زیبایی‌شناختی مورد توجه قرار گرفته است. همین مسئله نگارنده را بر آن داشت تا در چارچوب نظریه‌ی معاصر استعاره، به تحلیل مفهومی استعاره‌ها و بازسازی مدل‌های شناختی آن بپردازد. یافته‌های این پژوهش اصول نظریه‌ی معاصر استعاره را تأیید می‌کند و نشان می‌دهد که انتزاعی بودن حوزه‌ی مذهب و ضرورت درک استعاری آن، مهمترین دلیل بسامد بالای عبارات استعاری در نهج البلاغه است.

واژگان کلیدی: استعاره، نظریه‌ی معاصر استعاره، معنی‌شناسی شناختی، نهج البلاغه

فهرست مطالب

عنوان	صفحه
فصل اول: مقدمه	۱
۱-۱- مقدمه	۲
۲-۱- طرح مسأله و بیان سؤالات پژوهش	۲
۳-۱- فرضیه های پژوهش	۶
۴-۱- اهداف و کاربردهای پژوهش	۶
۵-۱- اهمیت موضوع و جنبه ی نوآوری آن	۷
۶-۱- مواد و روش انجام پژوهش	۷
۷-۱- ساختار پایان نامه	۸
۸-۱- جمع بندی	۸
فصل دوم: پیشینه ی پژوهش	۱۰
۱-۲- مقدمه	۱۱
۲-۲- علوم شناختی	۱۱
۳-۲- زبان شناسی شناختی	۱۴
۱-۳-۲- زبان شناسی شناختی در مقایسه با زبان شناسی نقش گرا و زبان شناسی صورت گرا	۱۷
۴-۲- معنی شناسی شناختی	۲۰
۱-۴-۲- معنا بنیاد بودن نگرش شناختی به زبان	۲۱
۲-۴-۲- نظام معنایی به عنوان بخشی از نظامی مفهومی و شناختی ذهن	۲۱
۳-۴-۲- ماهیت معنا	۲۱
۴-۴-۲- مقوله بندی	۲۳
۵-۴-۲- استعاره	۲۴
۶-۴-۲- طرح واره های انگاره ای	۲۴
۱-۶-۴-۲- طرح واره ی حجمی	۲۵
۲-۶-۴-۲- طرح واره ی حرکتی	۲۵
۳-۶-۴-۲- طرح واره ی قدرتی	۲۶
۷-۴-۲- تعبیر صحنه	۲۶
۸-۴-۲- فضاها ی ذهنی	۲۷
۵-۲- مطالعات سنتی استعاره در غرب	۲۷
۶-۲- مطالعات زبان شناختی استعاره در غرب	۳۲
۷-۲- مطالعات مسلمانان در مورد استعاره	۴۳

عنوان	صفحه
۸-۲- مطالعات انجام شده در زمینه استعاره در متون مذهبی.....	۴۹
۹-۲- جمع بندی.....	۵۷
فصل سوم: چارچوب نظری پژوهش	۵۸
۱-۳- مقدمه.....	۵۹
۲-۳- استعاره.....	۵۹
۳-۳- نظریات سنتی در مورد استعاره.....	۶۰
۱-۳-۳- نظریه ی مقایسه ای.....	۶۰
۲-۳-۳- نظریه ی تعاملی.....	۶۰
۳-۳-۳- نظریه ی کنش گفتار.....	۶۱
۴-۳- پیدایش نظریه ی معاصر استعاره.....	۶۲
۵-۳- استعاره در نظریه ی معاصر.....	۶۳
۱-۵-۳- استعاره نگاشت میان حوزه های مفهومی.....	۶۴
۲-۵-۳- شواهد وجود نظام استعاره های مفهومی.....	۶۵
۳-۵-۳- بررسی دو نمونه.....	۶۵
۱-۳-۵-۳- عشق به مثابه ی سفر.....	۶۵
۲-۳-۵-۳- مباحثه به مثابه ی جنگ.....	۶۶
۴-۵-۳- مفاهیم استعاری و غیر استعاری.....	۶۸
۱-۴-۵-۳- کمیت و مقیاس های خطی.....	۶۹
۲-۴-۵-۳- مقوله ها.....	۷۰
۳-۴-۵-۳- زمان.....	۷۱
۵-۵-۳- اصل تغییر ناپذیری.....	۷۱
۶-۵-۳- نگاشت های همزمان.....	۷۳
۷-۵-۳- استعاره های متعارف و استعاره های بدیع.....	۷۴
۱-۷-۵-۳- استعاره های انگاره ای.....	۷۵
۸-۵-۳- مبنای تجربی و تحقق مادی استعاره.....	۷۵
۶-۳- اصول اساسی نظریه ی معاصر استعاره.....	۷۷
۱-۶-۳- فرضیه ی همه جا حاضر بودن استعاره.....	۷۸
۲-۶-۳- فرضیه ی حوزه ای بودن استعاره.....	۷۸
۳-۶-۳- فرضیه ی مدل های شناختی.....	۷۸
۵-۶-۳- فرضیه ی تغییر ناپذیری.....	۷۹

عنوان	صفحه
۳-۶-۶- فرضیه ی یک جهتی بودن استعاره.....	۷۹
۳-۶-۷- فرضیه ی ضرورت استعاره.....	۷۹
۳-۶-۸- فرضیه ی تمرکز.....	۷۹
۳-۷- جمع بندی.....	۸۰
فصل چهارم: بررسی و تحلیل داده ها.....	
۴-۱- مقدمه.....	۸۱
۴-۲- استعاره واقعیتهی همه جا حاضر، ضروری و خلاق.....	۸۲
۴-۳- استعاره، نگاشت میان حوزه ها.....	۸۸
۴-۴- استعاره و مدل های شناختی.....	۸۹
۴-۴-۱- زندگی سفر است.....	۹۰
۴-۵- اصل تغییر ناپذیری.....	۱۱۲
۴-۶- تمرکز استعاره.....	۱۱۳
۴-۷- جمع بندی.....	۱۱۶
فصل پنجم: نتیجه گیری و ارائه ی پیشنهاد.....	
۵-۱- مقدمه.....	۱۱۸
۵-۲- مروری بر استعاره در نظریه ی معاصر.....	۱۱۹
۵-۳- مروری بر سؤالات و پیش فرض های تحقیق.....	۱۲۱
۵-۴- یافته های تحقیق.....	۱۲۲
۵-۵- پیشنهاداتی برای مطالعات آتی.....	۱۲۴
۵-۶- جمع بندی.....	۱۲۵
منابع و مأخذ.....	
ضمائم.....	
واژه نامه ی فارسی به انگلیسی.....	۱۳۳
واژه نامه ی انگلیسی به فارسی.....	۱۳۴
واژه نامه ی انگلیسی به فارسی.....	۱۳۷
چکیده انگلیسی.....	۱۴۱

کلیات پژوهش

۱-۱- مقدمه

این پژوهش به تحلیل مفهومی^۱ استعاره های^۲ نهج البلاغه در چارچوب نظریه ی معاصر استعاره^۳ که از سوی لیکاف و جانسون (۱۹۸۰) مطرح شد، اختصاص دارد. در این فصل به چارچوب پژوهش و کلیاتی در مورد آن از جمله طرح مسئله، بیان سؤالات و فرضیه های پژوهش، اهمیت و ضرورت موضوع، اهداف و روش شناسی آن و ساختار کلی پایان نامه پرداخته خواهد شد.

۱-۲- طرح مسأله و بیان سؤالات پژوهش

علوم شناختی^۴ یکی از دانش های نو است که می توان آن را به طور ساده به عنوان پژوهش علمی درباره ی ذهن یا هوشمندی تعریف کرد. در این دانش هدف، مطالعه ی نظری و تجربی ساز و کارهای رمز گردانی، ذخیره و بکارگیری اطلاعات در نظام های طبیعی و مصنوعی است. این ساز و کارها به شیوه ای منسجم کارکردهای ادراکی، استدلالی و تولیدی را به عهده دارند.

محققان علوم شناختی کشف راز بزرگترین سرمایه ی انسان یعنی ذهن و تبیین کارکردهای شناختی و فرایندهای پنهان آن را تنها از روش های غیر مستقیم ممکن می دانند. یکی از این روش ها، ورود به ذهن از دریچه ی زبان و گفتار است؛ چرا که زبان یکی از عالی ترین نمودهای ذهن است که هم محصول شناخت^۵ است و هم خود فرایندی شناختی به حساب می آید. از این رو زبان شناسی شناختی^۶ به عنوان مکتبی که ساخت، یادگیری و استفاده از زبان را بهترین مرجعی می داند که می توان با استفاده از آن، شناخت انسان را توضیح داد، از جایگاه ویژه ای در علوم شناختی برخوردار است.

-
- 1 - Conceptual Analysis
 - 2 - Metaphors
 - 3 - Contemporary Theory of Metaphor
 - 4 - Cognitive Science
 - 5 - Cognition
 - 6 - Cognitive Linguistics

زبان شناسی شناختی یکی از نگرش های مسلط در زبان شناسی نظری^۱ امروز محسوب می شود، که در آن زبان نظامی شناختی تلقی می شود که منعکس کننده ی نظام شناختی ذهن و ویژگی های بنیادی و اصلی آن است. این نگرش زبان طبیعی را محصول ذهن بشر می داند و بر این باور است که شیوه ی بازنمایی زبان در ذهن و نحوه ی کاربردش، مانند شیوه ی بازنمایی و کاربرد سایر دانش های شناختی است. در واقع مبنای این رویکرد، تجربیات ما از جهان و شیوه ی دریافت و مفهوم سازی آنها است (یونگر و اسمیت، ۱۹۹۷: X).

به باور زبان شناسان شناختی، دانش ما از جهان پیرامون مان به صورت مفاهیمی در ذهن بازنمایی می شود. ساختار زبان نیز از یک سو متأثر از همین مفهوم سازی است و از سوی دیگر بر آن تأثیر می گذارد و به عنوان ابزاری در سامان دهی، پردازش و انتقال اطلاعات و بازنمایی جهان در ذهن به کار می رود. در واقع دانش زبان بنیادی مفهومی دارد و اثرات پردازش شناختی در آن نمایان است.

رویکرد شناختی به زبان رویکردی معنابنیاد است که معنا را بنیادی ترین و مهم ترین موضوع در مطالعه ی زبان می داند. همین نگاه به معنا سبب شد که در دهه های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ در آمریکا، جرج لیکاف^۲ و مارک جانسون^۳ (۱۹۸۰) و لانگاکر^۴ (۱۹۸۷) با این باور که زبان شناسی نحومدار زایشی به دلیل فقر مطالعات معنایی، نمی تواند توانایی های شناختی را توصیف کند، حرکت جدیدی را در معنی شناسی آغاز کردند، که بعدها با نام معنی شناسی شناختی^۵ معرفی شد. شکل گیری معنی شناسی شناختی موجب اهمیت یافتن مطالعات معنی شناختی در قرن بیست و یکم شد.

در زبان شناسی شناختی، معنی شناسی به دلیل زیرساخت مفهومی اش، در میان حوزه های مختلف حوزه ی مبنا به شمار می رود؛ چرا که در این نگرش اعتقاد بر این است که معنا می تواند ساز و کارهای ارتباطی میان عناصر زبان را در سایر حوزه ها تحت تأثیر قرار دهد.

یکی از کانونی ترین محورهای مطالعه در این رویکرد استعاره است که توجه به آن را می توان مهم ترین تحول در زبان شناسی شناختی دانست. در نیمه ی دوم قرن بیستم، برخی از زبان شناسان شناختی همچون لیکاف و جانسون، با جمع آوری نمونه های بسیار زیادی از کاربرد استعاره در زبان روزمره، نظام عظیمی از استعاره های روزمره و متعارف را کشف کردند که تمایز سنتی بین زبان مجاز

1 - Theoretical Linguistics
2 - George Lakoff
3 - Mark Johnson
4 - Ronald Langacker
5- Cognitive Semantics

واره ای و زبان حقیقی را از بین برد. این مطالعات منجر به انتشار کتاب **استعاره هایی که با آن زندگی می کنیم**^۱ و ارائه ی نظریه ی معاصر استعاره از سوی لیکاف و جانسون (۱۹۸۰) شد، که دریچه ی جدیدی بر روی مطالعات این حوزه گشود.

آنچه مطالعات استعاره را در دوران حاضر از مطالعات گذشته متمایز می کند، توجه به نظام ذهن و زبان روزمره و گفتاری است. استعاره در مطالعات زبان شناسان شناختی دیگر تنها متعلق به حوزه ی زبان ادبی نیست، بلکه جایگاه استعاره نظام مفهومی انسان است، که انسان بر اساس آن می اندیشد و عمل می کند. استعاره نظام مفهومی ما را ساختمند می کند و از این طریق به نحوه ی ادراک، نحوه ی اندیشیدن، زبان و اعمال ما ساختار می بخشد. زبان نیز از آنجا که برگرفته از فرایند های ذهنی می باشد، کاملاً استعاری است و درک توانایی های زبانی بدون تبیین بسنده ای از استعاره ممکن نیست. از این گذشته، استعاره علاوه بر اینکه موجب وضوح و گیرایی بیشتر اندیشه های ما می شود، ساختار ادراکات و دریافت های ما را تشکیل می دهد (ر.ک. لیکاف و جانسون ۱۹۸۰).

در معنی شناسی شناختی استعاره معنایی نوین می یابد و به الگو برداری میان حوزه ای و یا به عبارت دیگر به هر نوع مفهوم سازی و بیان مفاهیم یک حوزه ی ذهنی در قالب حوزه ی ذهنی دیگر، که غالباً حوزه ای ملموس تر است، اطلاق می شود. به عبارت دیگر استعاره نگاشت های^۲ کلی بین حوزه های مفهومی^۳ است (لیکاف، ۱۳۸۲: ۱۹۷).

اصول نظریه ی معاصر استعاره را می توان در قالب هشت فرض اصلی خلاصه کرد (ژاکل، ۲۰۰۲: ۲۱-۲۲):

- همه جا حاضر بودن استعاره^۴: استعاره ها تنها به زبان ادبی تعلق ندارند، بلکه اساساً زبان، تفکر و حتی بسیاری از رفتارها و استدلال های ما ماهیتی استعاری دارد.
- حوزه ها^۵: استعاره، نگاشت میان مفاهیم دو حوزه ی مفهومی مبداء^۶ و مقصد^۷ است.
- مدل^۸: در اکثر موارد استعاره های مفهومی مدل های شناختی منسجمی را تشکیل می دهند.

1 - Metaphors We Live By
2- Mappings
3 - Conceptual domain
4 - Ubiquity Hypothesis
5- Domain Hypothesis
6- Source domain
7- Target domain
8- Model Hypothesis

- یک جهتی بودن^۱: بنابر استدلالی منطقی و معقول به نظر می رسد که ارتباط بین حوزه ی مبداء و مقصد یک طرفه و مسیر انتقال استعاری از مبداء به مقصد باشد.
- تغییر ناپذیری^۲: نگاشت های استعاری، مکان شناسی شناختی^۳ (یعنی، ساختار طرحواره ی انگاره ای^۴) حوزه ی مبداء را به طریقی سازگار با ساختار ذاتی حوزه ی مقصد حفظ می کنند.
- ضرورت^۵: بسیاری از حوزه های مفهومی تنها به واسطه ی استعاره ها، مفهوم سازی و درک می شوند.
- خلاقیت^۶: بیان معنای استعاره در قالب عبارات گزاره ای غیر استعاری موجب از دست دادن بخشی از معنای آن می شود.
- تمرکز^۷: استعاره ها تنها بخشی از حوزه ی مقصد را توصیف یا تشریح می کنند. آنها در حالی که برخی جنبه های حوزه ی مقصد را پررنگ می کنند، برخی دیگر از جنبه های آن را پنهان می نمایند.

از حوزه هایی که در آن ضرورت استعاره بیشتر احساس می شود، حوزه های انتزاعی و دور از دسترس تجربه ی حسی است که تنها از طریق استعاره قابل درک هستند. استعاره به ما امکان می دهد موضوعی نسبتاً انتزاعی یا ذاتاً فاقد ساختار را بر حسب موضوعی عینی تر یا دست کم ساختماندر درک کنیم. در واقع «تعقل انتزاعی مورد خاصی از تعقل تصویر بنیاد است و تعقل تصویر بنیاد اصل است و تعقل انتزاعی تعقل تصویر بنیادی است ناشی از فرافکن های استعاری بر حوزه های انتزاعی» (لیکاف، ۱۳۸۲: ۲۵۰).

حوزه ی مذهب و گفتمان مذهبی نیز به دلیل ماهیت تجربه ناپذیر و انتزاعی اش یکی از حوزه هایی است که ضرورت درک استعاری در آن بیشتر احساس می شود. از این رو آنجا که موضوع گفتمان، مفاهیمی متافیزیک و متعالی همچون خدا، روح، جهان پس از مرگ، وحی و... می باشد، تنها راهی که برای تصور پیش روی ذهن قرار دارد، برقراری ارتباط استعاری میان این مفاهیم و مفاهیم ملموس تر است. بر این اساس قابل پیش بینی است که متون مذهبی سرشار از استعاره باشند.

1- Unidirectionality Hypothesis
 2- Invariance Hypothesis
 3 - Cognitive Topology
 4 - Image-schemata
 5- Necessity Hypothesis
 6- Creativity Invariance
 7- Focusing Invariance

نهج البلاغه یکی از متون مذهبی ما مسلمانان است، که استعاره های آن همواره از جنبه ی بلاغی مورد توجه پژوهشگران قرار داشته است؛ اما محدود کردن استعاره ها در جنبه ی زیبایی شناختی و بلاغی نقطه ی اشتراک تمامی پژوهش هایی است که در این زمینه صورت گرفته است. همین مسئله نگارنده را بر آن داشت تا در سایه ی نگاه نو و یافته های جدید نظریه ی معاصر استعاره، به تحلیل مفهومی استعاره های نهج البلاغه و مدل های شناختی¹ را که می توان بر اساس این استعاره ها بازسازی کرد، پردازد؛ و از این طریق نظریه را نیز به محک داده های برگرفته از نهج البلاغه به عنوان نمونه ای از متون مذهبی قرار دهد. این پژوهش به منظور یافتن پاسخی برای این پرسش ها انجام گرفت:

- فرض های اصلی نظریه ی شناختی استعاره با توجه به داده های زبانی برگرفته از نهج البلاغه چگونه ارزیابی می شوند؟
- بسامد بالای ساخت های استعاری زبان در نهج البلاغه چگونه در چارچوب نظریه ی معاصر استعاره قابل تبیین است؟

۱-۳- فرضیه های پژوهش

با توجه به سئوالاتی که پژوهش حاضر در جستجوی پاسخ آنهاست، این فرضیه ها قابل طرح است:

- داده های استعاری نهج البلاغه، غیر از اصل تغییر ناپذیری، سایر اصول نظریه ی معاصر استعاره را تأیید می کنند.
- انتزاعی بودن حوزه ی مذهب و ضرورت درک استعاری آن، مهمترین دلیل بسامد بالای عبارات استعاری در نهج البلاغه است.

۱-۴- اهداف و کاربردهای پژوهش

هدف از انجام پژوهش حاضر دستیابی به اهداف زیر است:

- تحلیل مفهومی استعاره های نهج البلاغه در پرتو یافته های علوم شناختی
- استفاده از استعاره ها در بازسازی مدل های شناختی این کتاب
- بررسی قابلیت ها و محدودیت های نظریه ی معاصر استعاره در مواجهه با گفتمان مذهبی

انتظار می رود یافته های این پژوهش مورد استفاده ی گروه های زیر قرار گیرد:

- دانشجویان و پژوهشگران زبان شناسی و تحلیل گران کلام
- دانشجویان و پژوهشگران زبان و ادبیات عرب
- دانشجویان و پژوهشگران علوم قرآن و حدیث
- پژوهشگران، تحلیل گران و مفسران نهج البلاغه

۱-۵- اهمیت موضوع و جنبه ی نوآوری آن

نهج البلاغه پس از قرآن مهمترین کتاب مذهبی ما مسلمانان است، که همواره به خاطر محتوای عالی آن مورد توجه پژوهشگران و متفکران بوده است. زبان این کتاب ارزشمند و بلاغت و شیوایی کلام امیرالمؤمنین (ع) نیز توجه بسیاری از ادیبان را به خود مشغول داشته است. اما در این میان بررسی جنبه های مختلف زبان در این متن مذهبی از سوی زبان شناسان نیز بسیار ضروری است و جای خالی محققان این رشته در پژوهش های مربوط به نهج البلاغه احساس می شود.

نظریه ی معاصر استعاره افق های جدیدی را در مطالعه ی استعاره به عنوان فرایندی شناختی ایجاد کرده است. اگرچه مطالعه ی استعاره های نهج البلاغه همواره در صدر بررسی های ادبی این کتاب بوده است، اما با توجه به انقلابی که این نظریه در نگاه به استعاره ایجاد کرده است، بررسی دوباره ی آنها در سایه ی یافته های این نظریه ضروری می نماید. نگاه به استعاره های این کتاب نه فقط به عنوان آرایه های ادبی، بلکه به عنوان کلید های شناخت ذهن و ردپاهای تفکر نویسنده در زبان، و بازسازی مدل های شناختی آن از طریق تحلیل مفهومی آنها می تواند پرتوهای تازه ای را بر تفسیر این کتاب و درک بهتر معانی بلند آن بیافکند.

از سوی دیگر از آنجا که نظریه مدعی حضور استعاره ها در تمامی انواع گفتمانی است، بررسی این کتاب به عنوان نمونه ای از گفتمان مذهبی اسلام، می تواند بستر مناسبی را برای محک ادعاهای این نظریه فراهم کند و قابلیت ها و محدودیت های نظریه را بیشتر نشان دهد.

۱-۶- مواد و روش انجام پژوهش

پژوهش حاضر مبتنی بر روش توصیفی-تحلیلی است. پس از مطالعه ی منابع مختلف اعم از کتاب ها، نشریات علمی، پایان نامه ها، رساله ها و منابع اینترنتی پیرامون استعاره، نظریه شناختی استعاره و استعاره های نهج البلاغه، نمونه هایی از عبارات استعاری موجود در نهج البلاغه (اعم از

خطبه ها، نامه ها و حکمت ها) جمع آوری شده و در چارچوب نظریه، تحلیل مفهومی می شوند و فرضیات پژوهش بر اساس یافته ها ی آن مورد ارزیابی قرار می گیرد.

ترجمه ی جملاتی که از کتاب نهج البلاغه در این پژوهش نقل می شود، برگرفته از ترجمه ی مرحوم محمد دشتی از این کتاب است، چرا که این ترجمه یکی از رایج ترین و روان ترین ترجمه های نهج البلاغه به فارسی است. اما علی رغم نزدیکی بسیار این ترجمه به متن اصلی، در این پژوهش، تحلیل استعاره ها بیشتر بر اساس متن عربی صورت گرفته است.

۱-۷- ساختار پایان نامه

این پایان نامه در پنج فصل تدوین شده است. در فصل حاضر که فصل اول پایان نامه است و به کلیات پژوهش اختصاص دارد، به ارائه ی تصویر کلی از پژوهش پرداخته شده و موضوع، هدف، سؤالات، فرضیه ها، کاربردها و روش پژوهش معرفی شده است. در فصل دوم که به پیشینه ی پژوهش اختصاص دارد، پس از ارائه ی مطالبی مقدماتی در معرفی علوم شناختی، زبان شناسی شناختی، معنی شناسی شناختی و موضوعات مهم آن، مطالعاتی که تا کنون در زمینه ی استعاره در ایران و غرب انجام گرفته است، مورد بررسی اجمالی قرار گرفته است. فصل سوم نیز به چارچوب نظری پژوهش که زبان شناسی شناختی و نظریه ی معاصر استعاره است، اختصاص دارد. در این فصل، به تفصیل به استعاره در زبان شناسی شناختی و نظریه ی معاصر استعاره پرداخته می شود. فصل چهارم نیز به تحلیل داده های برگرفته از نهج البلاغه در چارچوب نظری پژوهش اختصاص دارد. در این فصل اصول اساسی نظریه به محک داده هایی از نهج البلاغه قرار داده می شود و با استفاده از برخی عبارات استعاری این کتاب یکی از مدل های شناختی آن بازسازی می شود. در فصل پنجم که به نتیجه گیری کار اختصاص دارد، پس از خلاصه کردن مطالب اساسی چهار فصل قبلی، فرضیه های پژوهش ارزیابی شده و مهمترین یافته ها و نتایج حاصل از این پژوهش ذکر می شود. در پایان فصل نیز موضوعاتی برای پژوهش های آینده پیشنهاد می گردد.

۱-۸- جمع بندی

این فصل به ساختار کلی پژوهش اختصاص داشت و در آن مطالبی مختصر در مورد موضوع پایان نامه و اهمیت و ضرورت پژوهش در مورد آن، سؤالاتی که این پژوهش در جستجوی پاسخ آنهاست، پیش فرض های نگارنده، روش انجام پژوهش و ساختار کلی پایان نامه ارائه شد.

..... فصل دوم

پیشینه ی پژوهش

۲-۱- مقدمه

استعاره مفهومی است که قبلاً بیشتر در حوزه ی مطالعات ادبی و گاهاً فلسفی بدان پرداخته اند؛ و در بسیاری از موارد مطالعه ی سنتی آن به علم معانی و بیان محدود بوده است. اما در دهه های اخیر، استعاره دیگر صرفاً موضوعی زبانی و مربوط به علوم بلاغی تلقی نمی شود، و دامنه ی مطالعات در این زمینه به حوزه های دیگر علم نیز گسترش یافته است. بررسی دقیق و جامع مفهومی که سابقاً فقط یک آرایه ی ادبی بود، امروزه به موضوعی مهم و کلیدی در فلسفه و زبان شناسی تبدیل شده است، و رفته رفته توجه روزافزون فیلسوفان، زبان شناسان، تحلیل گران گفتمان و حتی روان شناسان، مردم شناسان و متخصصان بسیاری از علوم دیگر را به خود جلب کرده است. شمار همایش های برگزار شده و مقالات، کتابها و مجلات علمی منتشر شده در این زمینه، خود شاهدهی بر این مدعاست. چارلز فورسویل^۱ (۱۹۹۸) ضمن تصریح این موضوع به کتابنامه هایی درباره ی استعاره اشاره می کند (شیبلز ۱۹۷۱ و ۱۹۹۵) که در مجموع چند هزار کتاب و مقاله را فهرست کرده اند.

از این رو در این فصل، ابتدا مقدماتی از علوم شناختی، زبان شناسی شناختی، معنی شناسی شناختی و موضوعات مهم آن مطرح می شود. سپس در ادامه، مطالعات انجام شده در زمینه ی استعاره در چهار بخش مطالعات سنتی استعاره در غرب، مطالعات زبان شناختی استعاره در غرب، مطالعات مسلمانان در مورد استعاره و مطالعات انجام شده در زمینه ی استعاره در متون مذهبی مورد بررسی قرار می گیرد.

۲-۲- علوم شناختی

در جهان موجودات زنده، شناخت پیچیده ترین و چند وجهی ترین فرایند شناخته شده می باشد، که چنان بدیهی است که توجهی را بر نمی انگیزد. اما وقتی شناخت، خود موضوع شناخت می

1- Charles Forceville